

بهروز سورن: مرگ بی صدای کارتون خواب ها



کارتون خوابی دستاورد اهمال و سستی و یا غفلت مسئولان جمهوری اسلامی نیست بلکه زائیده نظم غیر عادلانه و انسان ستیز حکومتی است که بها و ارزشی برای جان و سرنوشت شهروندان خود نمی شناسد و سمبل حضور آن در جامعه سنگسار – سرکوب – شکنجه و اعدام هستند. فقر – کارتون خوابی – اعتیاد و مرگ سرنوشت محتوم خیل گسترده انسانی است که صرف نظر از سن و سال و جنسیت شان قربانیان خاموش رژیم جنایتکار حاکم هستند. صدا و فریاد آنها بجائی نمیرسد و سرپناه های موقت آنان از جمله 2 یا 3 حمام و یا اندک ساختمانهایی که نهادهای دولتی و غیر دولتی در اختیار آنان قرار داده است حتی به کفایت مسکنی آرام بخش و زودگذر نیز نمیباشد.

.....

افزایش انفجاری خیابان خوابهایی که سرمایه زندگی شان تنها تکه ای مقوا و پتونی کهنه و فرسوده است از موضوعاتی است که در مناقشات خانگی و خودمانی حکومتیان و همجنسان آنها در طیف اصلاح طلبان مورد بهره برداری سیاسی قرار گرفته است

اما بندرت به علت وجودی این آسیب اجتماعی اشاره شده و اذعان نمیشود که حضور عینی این پدیده همراه با تشدید فقر و بی عدالتی اجتماعی محصول مناسبات آدمخوار سرمایه داری است.

بیاد داریم که در زمستان 82 کارتون خواب ها بشکل گروهی چهل نفره در سرمای زمستان جان باختند. این در حالیست که کشورشان ایران یکی از بزرگترین منابع نفتی و گازی و منابع زیر زمینی در جهان محسوب می شود و ارقام میلیاردری صرف هزینه دستگاههای سرکوب مردم و ازادخواهان می گردد. سود جوئی و ثروت اندوزی وابستگان حکومتی و آقازاده ها زبانزد خاص و عام است و کمکهای حکومتیان به برخی از کشورها از جمله لبنان و شیعیان عراق و سایر کشورهای عربی شمارشی نجومی را شامل می شود.

با وجود اینکه با نزدیک شدن فصل سوز و سرما امواج احساسات خود جوش مردمی نیز به این پدیده نظر داشته و به انحاء مختلف به خیابان خوابها یاری میرسانند اما پدیده ای که از جمله ناهنجاری های مناسبات اجتماعی حاکم است تنها و تنها میتواند با تغییر بنیادین آن مناسبات از میان برود همانطور که پدیده تکدی و خیابان گردی و کار کودکان در انتظار این تحول عمیق خواهد بود.

این معضلات موجود و دردناک زائیده فقر هستند. فقری که خود محصول افزایش شکاف طبقاتی است. شکافی که میان اقلیتی مالخوار و درنده بنام سرمایه داران و اکثریتی عظیم از زحمتکشان جامعه است. جامعه ای که ابزار حکومتی اش و نهادهای سرکوبش در خدمت و حامی منافع مالداران و نظم موجود است نمی تواند این درد اجتماعی را ریشه کن نماید.

کارتون خوابی دستاورد اهمال و سستی و یا غفلت مسئولان جمهوری اسلامی نیست بلکه زائیده نظم غیر عادلانه و انسان ستیز حکومتی است که بها و ارزشی برای جان و سرنوشت شهروندان خود نمی شناسد و سمبل حضور آن در جامعه سنگسار – سرکوب – شکنجه و اعدام هستند. فقر – کارتون خوابی – اعتیاد و مرگ سرنوشت محتوم خیل گسترده انسانی است که صرفنظر از سن و سال و جنسیت شان قربانیان خاموش رژیم جنایتکار حاکم هستند. صدا و فریاد آنها بجائی نمیرسد و سرپناه های موقت آنان از جمله 2 یا 3 حمام و یا اندک ساختمانهائی که نهادهای دولتی و غیر دولتی در اختیار آنان قرار داده است حتی به کفایت مسکنی آرام بخش و زودگذر نیز نمیباشد.

من هنوز معتاد نشده ام ولی اگر خیابان خوابی ادامه پیدا کند نمیدانم و یا اینکه باید زودتر به شهرم برگردم.

«هنوز 14 ساله نشده بودم که هرونین تزریق می کردم.»

مسئولین جمهوری اسلامی از سوئی با قرار دادن امکانات قطره ای و جنجالیهای تبلیغاتی چنین وانمود می کنند که در سودای حل این ناهنجاری اجتماعی هستند و از سوی دیگر با تکفیر خیابان خوابی – اعتیاد و فحشا در مساجد و ارگانهای تبلیغاتی خود به تهییج احساسات مذهبی هواداران خود برای هجوم به مراکز معذود پناه آنان اقدام می کند

اینچنین است که این مراکز بارها و بارها مورد حمله وحشیانه افرادی قرار میگیرد که چهره نامطبوع این ناهنجاری اجتماعی را علت حضور آن میدانند .

«خیابان خوابی نمی دونی چیه؟ خیابان خوابی یعنی ترسیدن از غریبه ها که وقتی خوابی یا جایی قایم شدی، یکهو خفتت نکنند. یعنی واسه یه لقمه غذا التماس کردن، یعنی بدبختی، اگر همسایه ها بیرونمان کنند باید دوباره برگردیم توی خیابان ها.»

«آن شب که حمله کردند، با قندشکن کوبیدند روی دستم. دیگه نمی تونم آشپزی کنم.»

«همه شیشه‌ها را خرد کردند روی سرمان.»

در میان شمار گسترده خیابان خواب‌ها فقرزدگان – معتادان – دانش‌آموزان – دانشجویان – کارگران مهاجر - و حتی کارشناسان ارشد و دکتر‌ها نیز در گزارشات رسانه‌های دولتی منعکس شده است که در فصل سرما و یخبندان روی آسفالت‌ها – زیر پله‌ها – زباله‌دانی‌ها و یا در کنار مغازه‌های خیابان‌ها جان می‌دهند.

مبلغان و حافظان مناسبات نا برابر حاکم می‌گویند که: **خیابان خوابی یکی از وجوه زندگی مدرن معاصر است!**؟

بدین شکل از اشاره مستقیم به مکانیزم‌های اقتصادی و فقرزای حاکم‌طرفه می‌روند. حال آنکه پدیده خیابان خوابی نتیجه مستقیم نظم نابرابر موجود در کشورمان و دستاورد مناسباتی است که بر استثمار و تقسیم ناعادلانه ثروت اجتماعی و ملی استوار است. اینهمه در شرایطی است که در کنار برج‌هایی که آقازاده‌ها در تهران می‌سازند فرزندان فقر و نابرابری بر روی آسفالت سرد زمستان جان می‌دهند.

بهروز سورن

12.10.2010